

جلسه چهارم تقوا

«تقوى قلب و آثار و فوائد آن»

۱- کنترل اعضای بدن با تقوى قلب

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
«الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله و على آله آل الله
لاسيما على بقية الله روحى و الارواح لتراب مقدمه الفداء و
العنة الدائمة على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم
الدين»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ
أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^۱

عید سعید قربان را به همه‌ی دوستان و همه‌ی محبین اهل
تزکیه نفس که زیر سایه‌ی حضرت بقیه الله عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف قرار
گرفته‌اند تبریک عرض می‌کنم. امیدواریم برکات وجود امام
عصر عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف نصیب همه‌مان بشود و خدای تعالی ما را در
ثواب حجاجی که امروز و دیروز و فردا در صحرای عرفات و
مناء مشغول عبادتند قرار بدهد.

۱ - سوره کهف، آیه ۱۰۳ - ۱۰۴.

آیاتی که امروز تلاوت شد یک تنبّه‌ای برای افرادی که ان شاء الله می‌خواهند به خدا برسند و سیر و سلوکی داشته باشند و حرکتی به سوی لقاء پروردگار بکنند مشاهده شد. اولین آیه این بود که ای پیغمبر بگو به این مردم که آیا شما را خبر بدهم به کسانی که از همه ضررشان در عمل بیشتر است؟ یک عده از مردم هستند که اهل تقوا نیستند، تقوا را رعایت نمی‌کنند. تقوا وقتی که در دل مستقر شد و انسان یک مقداری کار کرد و مرحله‌ی یقظه را کاملاً گذراند و تقوا در دلش جا افتاد، قسمت‌های مختلف بدن که تحت اراده‌ی قلب است تقوا آن‌ها را کنترل می‌کند، شما اگر خواب باشید و قلبتان فعّال نباشد روحتان از شما جدا شده باشد، طبعاً دست و چشم و گوش و پا و زبان‌تان تحت اراده‌ی شما

نیست، طبعاً تحت تقوای شما هم نخواهد بود، امّا اگر بیدار بودید و دست و چشم و گوش و زبان و پای شما نه فلج بود و نه کور و نه کرو نه لال، طبعاً همه‌ی این‌ها تحت اراده‌ی شماست و اگر بخواهید آن‌ها را به یک طرفی حرکت بدهید برایتان کاملاً آسان و بلکه حتی اراده‌ی شما با حرکت دادن وحدت پیدا می‌کند.

اگر قلب شما توأم با تقوا شد یعنی مُتَّصِف به صفت تقوا گردید، بیداری شما بیداری مُتَّقین شد، بیداری شما به خاطر تقوا بود، در این صورت انسان هر یک از اعضاء بدنش با تقوا حرکت می‌کند، یعنی چشمش بر اثر تقوا می‌بیند، گوشش در محدوده‌ی تقوا می‌شنود و همین طور سایر اعضاء بدنش با تقوا حرکت می‌کند، چرا؟ به خاطر اینکه روحش با تقوا یکی

شده و تقوای قلب پیدا کرده و اراده‌ی قلبی‌اش همان تقوایش است. آن‌هایی که حرکت دارند ولی تقوا ندارند، مثلاً فرض کنید حرکات بدنشان تحت کنترل تقوایشان نیست، همان طوری که یک فرد خواب یک حرکاتی گاهی بعضی از افراد دارند مثلاً حتی گاهی از جا بلند می‌شوند و حرکت می‌کنند و راه می‌روند و کار خوبی گاهی انجام می‌دهند و هم کار بد ممکن است انجام بدهند، این شخصی که ناظر این جهت است می‌گوید: این شخص خواب است، حرجی بر او نیست، «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ»^۲ حرجی نیست، نه ثوابی به او می‌دهند و اگر

۲ - سوره نور، آیه ۶۱.

تحت اراده‌ی و اختیارش نباشد مُعَذِّبش هم نمی‌کنند، یک کار بی‌ارزش و یک وجود بی‌ارزش است.

همین طور کسی که تقوا ندارد، کارهایش بی‌ارزش، حرکاتش بی‌ارزش، نه اجر و ثوابی نزد خدا دارد و اگر روی غفلتِ زیادی باشد جزء حیوانات محسوب می‌شود و از مستضعفین است. و چون خدای تعالی فرمان داده که باید تقوا را همیشه زاد و توشه‌ی خودتان قرار بدهید، همیشه با تقوا حرکت کنید، حرکات اعضاء بدنتان تحت فرمان تقوا باشد و این دستور را انسان عمل نکرده خدای تعالی او را تنبیه می‌کند، بنابراین آیا به شما خبر بدهم، بگویم که «بِالْأَخْسَرِينَ»^۳ آن کسی که بیشتر

۳ - سوره کهف، آیه ۱۰۳.

از همه خسارت برداشته، آن کسی که بیشتر از همه ضرر کرده، آن کسی که علاوه بر آنکه در دنیا نفعی نبرده، سرمایه را هم از دست داده چه کسی هست؟ «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» تمام همتش دنیاست، تمام زندگی اش دنیاست، از اوّل تحصیلاتش که به مدرسه رفته به خصوص در کنار او یک پدر و مادر و یا اقوام و خویشاوندانی باشند که برایش لالایی بگویند، مدرسه برو با سواد بشوی، دبیرستان برو یا تحصیلات عالیه کن که مدرک بگیری، مدرک که گرفتی کارمند بشوی، حقوقت به تو داده می شود بعد حتّی در دوران بازنشستگی در خانه رفتی لمیده ای، خوابیدی به تو حقوق می دهند که راحت باشی، این لالایی را مخصوصاً پدر و

مادرهای ضرر کرده در دنیایی که «وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» که اکثر ماها این طوری هستیم که گمان می‌کنیم، حساب می‌کنیم که خوب عمل می‌کنیم، برای فرزندانمان هم می‌گوییم در تمام این مدت از تقوا صحبت نمی‌کنیم.

۲- فوائد داشتن تقوا

یک قدری این طوری صحبت کنم، اگر تو مدرک تقوا را گرفتی، مدرک تقوا چیست؟ چشمت کنترل، گوشت کنترل، زبانت تحت کنترل، دست و پایت تحت کنترل، اگر خودت این چنین خودت را یافتی، خودت هیچ احتیاجی به استاد و معلم و رئیس و سایر افراد نیست، خودت به خودت مدرک

می‌دهی و می‌فهمی که تو بهترین کارها را می‌کنی. ممکن است یک کسی بگوید: چه فایده‌ای دارد؟ اول فایده‌اش این است که مردم به تو اعتماد می‌کنند، مهم‌ترین چیزی که امروز حتی از نظر مردم دنیا پرست ارزش دارد اعتماد است. یعنی شما اعتماد بکنید به یک شخصی، اموالتان را به او بسپارید، ناراحت نیستید که زن و فرزندتان تحت سرپرستی او باشد، به تمام معنا به او تکیه می‌کنید، حتی او از ثروت شما ممکن است استفاده کند شما ناراحت نیستید، اولین چیزی که ظاهراً در این دنیا انسان به آن می‌رسد جلب اعتماد مردم است، مردم اعتماد دارند، این اعتماد مردم در دنیا برای انسان خیلی مفید است، حتی افراد بی‌تقوا کوشش می‌کنند

که بی تقوایی شان را از دیگران مخفی کنند که اعتماد مردم از آن‌ها سلب نشود.

همه دوست دارند مردم به آن‌ها اعتماد داشته باشند، اگر یک کسی یک مطلبی از شما سراغ داشت در بین مردم گفت، شما می‌گویید: چرا آبروی من را بردی؟ خیلی به شما بر می‌خورد. چرا من را بدون اعتماد معرفی کردی؟ این اولین فایده‌ی تقواست، مردم مثل خدای تعالی نیستند که گناهان انسان را ببخشند، کوشش کنید در بین مردم تقوا را خیلی رعایت کنید، یک گناه از شما در جوانی دیده باشند تا وقتی زنده هستند می‌گویند این همان آدم است، حالا شما صد برابر بهتر از او شده باشی در عین حال مردم گناه شما را و بی تقوایی شما را فراموش نمی‌کنند! خدا می‌گذرد، به همین

دلیل هم خدای تعالی به بندگان می‌فرماید: ای بندگان من گناه علنی نکنید این مردم از شما نمی‌گذرند، خدا چون شما را دوست دارد ستّار العیوب است، «اظهر الجمیل» است، خوبی‌ها را ظاهر می‌کند از شما و بدی‌های شما را می‌پوشاند و حتّی گاهی خدا شما را بهتر از آنچه که هستید معرفی می‌کند.

اگر تقوا آمد تمام وجود شما را گرفت هر چه شیطان آمد حرف زد شما اعتنا نکردید، کارهایتان روی حساب، نزد خدای تعالی حجت داشته باشید که خدایا فلان عمل را کردم برای خاطر تو کردم یا لا اقل بر خلاف خواسته‌ی تو نکردم، این شخص در دنیا ضرر نکرده، «الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا»^۵ همه کارهایی که در زندگی دنیا می‌کنید عاقبت نابود می‌شود، ثروت زیادی روی هم کردید، حقوق واجبه و مستحبه‌تان را نپرداختید، خُب جمع شده، آخرش چی؟ آخرش هیچی، خُب از اوّل هیچی، آخرش مردن است و از دست دادن همه چیز، از اول این فکر را داشته باش، نمی‌گویند: نداشته باش، می‌گویند داشته باش ولی فکرت بر اساس تقوا باشد، بتوانی از آنچه داری اگر خدا خواست بگذری.

پروردگار متعال گاهی از بعضی اشخاص خیلی تعریف کرده، من جمله علی بن ابیطالب علیه السلام، خوب امام معصوم است،

۵ - سوره کهف، آیه ۱۰۴.

حسن بن علی، حسین بن علی، فاطمه‌ی اطهر علیهم‌السلام اجمعین این‌ها معصومند و همه چیز داشته و دارند. اما کنار این‌ها فضّهی خادمه هم هست، که سوره‌ی «هل اتی» نازل شده، «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا»^۶ تا می‌رسد به آنجا که خدای تعالی می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»^۷ همه‌ی آنچه که ما به شما دادیم نه شکری می‌خواهیم شما از ما بکنید، یعنی اعطاء کننده نباید این خواسته را داشته باشد، بگوید مردم از من متشکر باشند، ممنون من باشند، اعطاء کننده نباید این توقع را داشته باشد،

۶ - سوره انسان، آیه ۱۴.

۷ - سوره انسان، آیه ۷ و ۸.

نه این که فکر کنید اگر به شما محبت کسی کرد شما بگویید:
طرف مثل علی بن ابیطالب باشد و از من توقع تشکر نداشته
باشد! شما باید تشکر کنید.

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»^۸ کسی که مخلوق را
شکر نکند بلد نیست شکر کردن، هیچ وقت نمی تواند شکر
خالق را هم بکند. عادت کنید به تشکر کردن، سلام به شما
کردند بگویید: «علیک السلام»، متشکرم، به شما محبت
کردند، محبت را جواب بدهید و بگویید: متشکرم، شکرگزار
باشید، با لفظ هم تنها اکتفاء نکنید، شکر معنایش این است
که در مقابل محبت او شما هم محبت کنید.

۸ - عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۷.

این چنین شخصی که در دنیا خودش را توانسته بر اساس تقوا تربیت کند اول مورد اعتماد مردم است، دوم خدا او را دوستش دارد، در آیات قرآن چند نفر صریحاً خدای تعالی آن‌ها را فرموده که من دوست دارم، یکی متّقینند، آن‌هایی که تقوا دارند، آن‌هایی که پاکند، «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۹ «يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۱۰} اهل تقوا را خدا دوست دارد، حالا تقوای مرحله‌ی اول باشد، یا تقوای مراحل بعد باشد.

که مرحله‌ی بعد از آن مرحله‌ی که در هفته‌های گذشته درباره‌ی تقوا عرض کردم مرحله‌ی بعدش این است که امروز گفتم، تمام وجودتان را تقوا احاطه کند، همان طوری که خدا

۹ - سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۱۰ - سوره آل عمران، آیه ۷۶.

علمش بر تمام وجود شما احاطه دارد، همان طوری که
معلومات پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام بر وجود شما
احاطه دارد، همان طور باید تقوا هم بر وجود شما احاطه
داشته باشد، می روید اصلاح کنید، خُب باید سر و صورت و
قیافه را خوب نگه داشت، پیش سلمانی هم سلمانی باید تقوا
داشته باشد، هم تو که فرمان می دهی. از این جزئی گرفته تا به
آنجایی که می خواهی نماز بخوانی و با خدا روبه رو بشوی،
همه ی این ها تقوا لازم دارد.

۳- آثار و نتایج بی تقوایی

اگر خدای نکرده جزء این «بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»^{۱۱} اخسرین اعمال بشویم که خیلی ضرر کنیم خدا می فرماید نتایجش را ببینید چقدر بد است، «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ»^{۱۲} اول اشکالش این است که به ائمه اطهار علیهم السلام ما کافر می شویم. در آن آیه ی دیگر می فرماید که کسی که معصیت بکند، کسی که «أَسَاءُوا السُّوءَ»^{۱۳} کارهای بد بکند، نتیجه ی این کار بدش این می شود که به آیات پروردگار در دم مرگ کافر می شود.

۱۱ - سوره کهف، آیه ۱۰۳.

۱۲ - سوره کهف، آیه ۱۰۵.

۱۳ - سوره روم، آیه ۱۰.

شما شنیده‌اید درباره‌ی تارک حج فرموده‌اند: «مَنْ تَرَكَ الْحَجَّ»^{۱۴} کسی که مُستطیع بشود و حجّ نرود، به او در دم مرگ می‌گویند: «فَلَيَمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» تو لیاقت نداری که مسلمان بمیری یا یهودی بمیر یا نصرانی.

و کسی که امام زمانش را نشناسد، منکر آیتی از آیات الهی بشود آن هم آیت الله العظمی، آیت عظمی پروردگار منکر او بشود بدتر از یهودی و نصرانی باید بمیرد، «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^{۱۵} مرده است به مُردن زمان جاهلیت! یعنی یک مدّت زمانی بود که هر چه انبیاء به این مردم می‌گفتند که انسان بشوید این‌ها به سوی حیوانیت

۱۴ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰ و ۲۱.

۱۵ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶.

بیشتر پیشرفت می کردند، اسمش را گذاشتند زمان جاهلیت،
زمان نفهمی، زمان بی علمی و بی دانشی، قبل از آمدن
پیغمبر، البته نه اینکه خدای تعالی حجت را بر آن ها تمام
نکرده بود، حضرت عبدالله، حضرت عبدالمطلب، حضرت
هاشم این ها همه انبیاء بودند، همه از بزرگان بودند، همه پاک
بودند، لا اقل اجداد پیغمبر، در بین همین مردم هم بودند اما
این ها اعتناء نمی کردند خودشان را کشانده بودند به زمانی که
اسمش برای همیشه باقی ماند، زمان جاهلیت، خُب حضرت
عبدالمطلب هم در زمان جاهلیت از دنیا رفت خوب ما هم
که امام زمانمان را شناسیم در زمان جاهلیت، چه اشکالی
دارد؟ زمان مطرح نیست، جزء افراد جاهلی که در کنار انبیاء
زندگی کردند تو می باشی، این همه نشانه های الهی، این همه

آیات الهی، این همه دلائل الهی، من یک وقتی مطالعه می‌کردم همین شب‌ها هم در سخن روز این مطلب را مطرح کردم که تا شب عید غدیر بتوانم هر شب یک دلیل بر خلافت بلافصل علی بن ابیطالب علیه السلام بگذارم ولی دو هزار - کم نیست - دو هزار دلیل بر اثبات خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام مرحوم علامه حلی در کتاب الفین نوشته، دو هزار می‌دانید معنای مُردن زمان جاهلیت حالا چیست؟ دو هزار دلیل نه، هزارتا، هزارتا نه، صدتا، صدتا، ده تا، خُب ده تا دلیل هم انسان بر اثبات چیزی داشته باشد خیلی است، اگر باز هم علی را به عنوان خلیفه بلافصل پیغمبر انسان قبول نکرد این جا «مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً» می‌بینید دیگر، خیلی حساب راحت و ساده است.

کسی که به تصدیق تمام علمای اهل سنت لااقل سیصد آیه در شأنش نازل شده! لااقل سیصد آیه که یکی از آن‌ها سوره‌ی «هل اتی» است که دوازده دلیل من یک وقتی جمع کردم بر عصمت علی بن ابیطالب و فاطمه‌ی زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام از سوره‌ی «هل اتی» بیرون می‌آید. حالا یک همچین فردی در مردم مسلمان باشد این را به عنوان خلیفه‌ی پیغمبر نپذیرند! خانه‌نشینش کنند! معنای «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» یعنی چه؟ غیر از این است، نه جدّاً شما چگونه حکم می‌کنید؟ خدا در قرآن همین معنا را فرموده: «فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^{۱۶} «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ

۱۶ - سوره یونس، آیه ۳۵.

يَتَّبِعُ»^{۱۷} آیا کسی که مردم را به حق هدایت می‌کند احق است که پیروی بشود «أَمَّنْ لَا يَهْدِي» یا کسی که خودش هدایت نشده، «أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي» شما از این جا می‌خواهید بروید خانه‌ی یک کسی برسید دم در خانه یک غریبه‌ای را پیدا می‌کنید هیچ جای قم را بلد نیست، او بهتر است که شما را آدرس بدهد یا آن کسی همه را آدرس می‌دهد، همه جای قم تحت نظر او هست، مثل کف دست بلد است، این را خدا در قرآن می‌گوید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» شما را چه شده، خطاب به آن‌هایی که نمی‌فهمند ای دیوانه‌ها به تعبیر من چه شده شما را؟ «فَمَا لَكُمْ» شما چطور حکومت

۱۷ - سوره یونس، آیه ۳۵.

می‌کنید، چطور حکم می‌کنید، چی می‌گویید اصلاً؟ بنابراین اگر تقوا در قلب انسان وارد نشود، «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»، می‌دانید برای حج نرفتن «فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»، برای تارک الصلوة «فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»، ولی برای کسی که ولایت را نفهمد، شناسد، حقیقت را به دست نیاورد، امام زمانش را شناسد و نبیند و با او نباشد می‌گوید: «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». پس اخسرین اعمال از نظر عمل کسی ضررش بیشتر است که «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^{۱۸}

۱۸ - سوره کهف، آیه ۱۰۴.

بعد می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ»^{۱۹} این ها علاوه که به خدا نمی رسند من این ها را برای شما ها نمی گویم، شما ها ان شاء الله قدم هایی برداشتید که می خواهید به خدا برسید ولی اگر یک وقتی خیال کنید که کار خوبی می کنید ولی تقوا در تمام اعضای بدن تن سرایت نکرده باشد این شخص به آیات پروردگار هم کافر می شود، عاقبتش این طوری می شود، «وَلِقَائِهِ» و لقای پروردگار را هم منکر می شود، می گوید: خدا را چطور می شود دید! چطور می شود خدا را دید؟ خدا را چطور نمی شود دید؟ خدایی که از همه ظاهرتر است، دیروز در دعای عرفه خواندید که حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می فرماید: کور باد چشمی که تو را رقیب بر

۱۹ - سوره کهف، آیه ۱۰۵.

خودش نبیند، «عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيباً»^{۲۰} این شخص از لقاء پروردگار مرحوم می‌شود، «فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ» اعمال خوبش هم از بین می‌رود، آخر من این همه کار خوب کردم، کار خوب را برای چه کسی کردی؟ فلان دانشمند آن اختراع را کرده، آن همین برق را درست کرده، این کار را کرده، این کار را کرده، بسیار خب، اما نیتش برای چه کسی بود؟ این کار را چرا کرد؟ برای اینکه معروف بشود، خوب معروف شد، برای این که به او امتیاز بدهند؟ امتیاز دادند، برای اینکه در نزد مثلاً رئیس جمهور مملکتشان یا مثلاً فرض کنید شاه مملکتشان این موقعیت پیدا کند؟ خوب کرد. معنا دارد که من برای شما کار کنم، می‌خواهم مزدم را بروم از آن آقا بگیرم،

۲۰ - دعای عرفه امام حسین علیه السلام.

برای خدا اگر کرده مزد به او می دهند، اما اگر برای این طور چیزها کرده باشد که «سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ» باشد خُبِ مزدش را هم گرفته، بعضی ها می گویند دانشمندانی که این همه کمک و خدمت به خلق کردند چطور می شود؟ اگر برای خدا کرده باشند ولو کافر باشند خدا یک مزد مناسبی به آنها می دهد، حالا مسیحی است مثلاً خدا را قبول دارد، برای خدا یک اختراعی کرده مردم خوش بگذارند، راحت باشند، خدا مزدشان را می دهد و ما نمونه اش را داریم، حاتم طایی معروف است که چون کافر بود ولی یک لطفی پروردگار به او کرد، اولاً فرزندان خوبی به او داد، علی بن حاتم از شیعیان خالص علی بن ابیطالب علیه السلام است، این باقیات صالحات برایش مهم است، و بعد هم روایت دارد که تخفیف در عذابش داده

می‌شود و شاید هم خدای تعالی به خاطر سخاوتش او را ببخشد، بهر حال، چرا؟ برای اینکه سخاوت را داشت و شاید هم برای خدا انجام داد، اعمال کسی که کارهایش را برای خدا انجام نداده باشد ولو خوب باشد حبط می‌شود، «فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا»^{۲۱} ما برایش ارزشی قائل نمی‌شویم خیلی بد است آدم در قیامت خدا برایش ارزشی قائل نشود، شما وارد یک مجلسی می‌شوید جا نیست، هیچ کس تکان نمی‌خورد که به شما یک جا بدهد بنشینید، همین طور معطل! صاحبخانه هم یک طوری قیافه‌اش را کرده که می‌گوید: اصلاً چرا تو آمدی؟ خیلی به شما سخت می‌گذرد، چقدر بد است، وزنی برای شما قائل نیست، علاوه بر این

۲۱ - سوره کهف، آیه ۱۰۵.

«جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ» حالا که آمدی بیا برو در آن مثلاً فرض کنید
تنور آتش آنجا باید تو بروی و آنجا بسوزی، این به خاطر این
است که اینجایش را دقت کنید، مایک وقتی این طور
نباشیم.

تفسیر آیه: واتخذوا آیاتی و رسلی هزوا

«جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا»^{۲۲} کفران نکنیم، نعمت‌های
پروردگار را کفران نکنیم، ماها کافر آن طوری که شما فکر
می‌کنید خب نمی‌شویم اما نعمت‌های الهی را کفران نکنیم،

۲۲ - سوره کهف، آیه ۱۰۶.

«وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا»^{۲۳} من از این تکه خیلی می‌ترسم
بر خودم و بر شما، آیات و پیغمبران و این‌ها را ما «هُزُؤًا» یعنی
بی‌ارزش، اهمیّت ندهیم، این خیلی مشکل است، صحبت
از خدا که می‌شود همه‌مان چرتمان می‌گیرد، صحبت از دنیا
که می‌شود همه سرحالیم، صحبت از معارف که می‌شود
صدتا ان قلت و قلت داریم، صحبت از کارهای زشت که
می‌شود خیلی می‌خندیم و نشاط داریم، این طور نباشیم.
آیات الهی را خیلی اهمیّت بدهیم، درست است در قرآن این
جمله به صراحت گفته شده امّا بعضی از اصحاب پیغمبر
در سقیفه جمع شدند، درست است علی بن ابیطالب علیه السلام را
خدا تعیین کند، پیغمبر تعیین کرده، ولی در سقیفه اکثریت

۲۳ - سوره کهف، آیه ۱۰۶.

مسلمان‌ها که ده نفر بیشتر نبودند آن زمان دیگر حالا آقایان می‌گویند جمع شدند و دیگری را جای علی بن ابیطالب علیه السلام گذاشتند. این آیات خدا و رسل خدا را که می‌گوید: «وَرُسُلِي» به بازی گرفتند، ما شیعیان هم همین طور خدای نکرده نباشیم، جدی باشیم. خدا را آقا قبول داری یا نه؟ بله، پس جدی باش. خدا همه جا هست. هر مشکلی دارید اول به خدا بگویید، دوم هم به خدا بگویید، سوم هم به خدا بگویید، چهارم اگر خدا خودش یک زمینه‌ای ساخت که با وسیله آن کار را انجام بدهد آن وقت به وسیله بگویید که تازه او به خاطر خدا انجام بدهد. بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند: آقا اول خدا بعد شما، می‌گوییم: عجب مشرکی هستی تو! دست به دامن خدا، خدا را بی‌خود می‌گوید، اگر بگوییم برو خُب همان

اولی را شما بگیر بدش می آید! مثلاً یک کاری از من بر بیاید،
می آید به من می گوید: اول خدا بعد شما، آدم به او اگر
می خواهید بفهمید راست می گوید یا دروغ؟ بگویید: نه همان
اولی، قدرتش بیشتر، کارش بیشتر، محبتش به تو بیشتر، هر
چیزش نسبت به تو بیشتر است، همان اولی چرا دومی
آوردی در کار؟ بعد می گوید که زبان حالش این هست،
ممکن است زبان قالش نباشد ولی حالش این است که او
کاری نمی کند تو باید کار بکنی، نستجیر بالله!

۴- مهربانی خدا و امام زمان علیه السلام

از آن طرف «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»^{۲۴} قربان این خدا بشویم که هر جای یک جای تنبیهی برای ما هست فوراً پشت سرش آن‌هایی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند، «كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» * خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا»^{۲۵}.

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ»^{۲۶} خدای تعالی آنقدر به ما مهربانی کرده که یک شخصیتی که اوّل موجود و اول مخلوق و اول دانشمند عالم امکان است به صورت یک بشر معمولی، او را

۲۴ - سوره کهف، آیه ۱۰۷.

۲۵ - سوره کهف، آیه ۱۰۷ - ۱۰۸.

۲۶ - سوره کهف، آیه ۱۱۰.

در آورده، رابط بین خودش و مردم قرار داده، می فرماید: «قُلْ
إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» من یک بشری مثل شما هستم. یک وقتی
من مثل می زدم، حضرت سلیمان، اینکه می گویم حضرت
سلیمان چون این مثال است، حضرت سلیمان به صورت
یک مورچه ریزی در بیاید برود در لانه مورچه ولی همان عقل و
فکر و هوش را داشته باشد، با آن ها بخواهد صحبت کند که
آن ها را هدایت کند، ببینید این چقدر محبت است. به
سَالِكِينَ إِلَى اللَّهِ ما می گوئیم: هر چه پولدار هستید، زیور و
آلات و لباس های خوب در جمع نپوشید که آن ها یک وقتی
نگویند که ای کاش ما هم می داشتیم این طوری بودیم، زن ها
فقط زینت شان برای شوهرهای شان باشد، از پیغمبرتان یاد
بگیرید، پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جایش در کروی زمین نیست، امام

زمانمان که هزار و صد و هفتاد سال جایش در کروی زمین نیست، «خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُخَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ»^{۲۷} یک منتهی خدا بر ما گذاشته که پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام را در بین ما قرار داده است.

آن آقا در میان ما هست، اینقدر هم محبت دارد، بد نیست در شهر قم، شهر امام عصر این مطلب را عرض کنم. در مسجد صاحب الزمان مشهد نماز می خواندم، یک مرد ساده‌ای، خیلی ساده، آمد به من گفت: این پول را شما بگیرید من خانه‌ام برق ندارد برق بکشید. گفتم آخر من چکار می‌توانم بکنم؟ من که رئیس اداره‌ی برق نیستم. گفت: دیشب من در

۲۷ - زیارت جامعه کبیره.

اتاقم تاریک بود خوابیده بودم، یک اتاق دارم چندتا هم بچه دارم با زنم، خیلی تشنه‌ام شده بود زیر کرسی خوابیده بودیم، خواستم بلند بشوم و بروم آب بردارم بخورم دیدم بچه‌ها بیدار می‌شوند، این‌ها را پایمال می‌کنم، با خودم گفتم: چه می‌شد که من هم برق می‌داشتم، تعبیرش یادم است که می‌گفت: تیکی می‌زدم مثلاً کلید را می‌زدم روشن می‌شد بچه‌ها را پایمال نمی‌کردم، می‌گوید: همین طور که با خودم داشتم صحبت می‌کردم این آقای مهربان، این آقای عزیز که اگر شخصیت‌های بزرگ سیاسی خودشان را بکشند بخواهند یک دفعه با آن حضرت ملاقات کنند حضرت ممکن است ملاقاتشان ندهد، خودش آمده، فرمود: این پول را بگیر برو به فلانی بده بگو برای تو برق بکشند من برگشتم پشت سرم نگاه

کردم دیدم رئیس ادرای برق محل اتفاقاً استثناءً امروز آمده نماز جماعت، خیلی هم استثنائی بود. صدایش زدم، جریان را به او گفتم و بعد هم بلند شدم گفتم: مردم این پولی که می بینید ایشان به من داده جریانش این است، یک نفر احتمال نمی داد که این مرد دروغ بگوید به جهت اینکه یک رفتگری بود خیلی ساده، مردم این پول ها را خریدند، پول زیادی تهیه شد، دادیم به آن شخص و جالب این بود که تمام مخارج برق جایی بود کنار افتاده که ستون می خواست، تمام مخارج برق و تمام آنچه که لازم بود با همان پولی که آقا داده بودند کافی شد، این آقای شماس است، این امام زمان شماس است. این کسی است که هزار و صد و هفتاد سال منتظر شماس است، منتظر کمک شماس است، منتظر است که شما لا اقل هر

کدامتان یک نفر را به سوی امام زمان غریب‌تان دعوت کنید
و امام زمانی‌اش کنید، لا اقل یک نفر.

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ» قربان این پیغمبر، خدا
دستور داده که بگو من جزء یک بشری مثل شما نیستم، ولی
به من وحی می‌شود، یعنی من با خدا در ارتباطم، باز فکر
نکنید که من خدایم، «أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ» حالا کسی که
می‌خواهد، کسی که «يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ» حالا دوست دارید خدا را
ملاقات کنید؟ «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ
أَحَدًا»^{۲۸} عمل‌تان را عمل صالح کنید و در عبادت احدی را با
خدا شریک نکنید، امید است ما جزء این دسته باشیم که با

۲۸ - سوره کهف، آیه ۱۱۰.

خدا احدی را شریک نکنیم و تقوای پروردگار همه‌ی اعضای بدن ما را و بلکه قلب ما را تسخیر کرده باشد و همه‌ی ما جزء متّقینی که محبوب خدای تعالی هستند باشیم. «وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ»

۵- اعمال روز عید غدیر

روز عید قربان است و ان شاء الله هفته‌ی دیگر روز شنبه ظاهراً عید غدیر است و همه‌ی ما باید خودمان را مهیّا کنیم برای استقبال از عید غدیر، تا اوّل محرم یا اوّل سال ان شاء الله باید این دوازده روز را ما عید بگیریم، عید بسیار با عظمتی است، اگر قبل از اسلام ایرانی‌ها سیزده روز عید می‌گرفتند ما دوازده

روز به نام دوازده امام بسیار پربرکتی است، ان شاء الله عید داشته باشیم، از حالا تمرین کنید که وقتی یکدیگر را می بینید در عید غدیر خم بگویید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» چون واقعاً شکرش را دارد، اگر ما هدایت به این معنا نشده بودیم، من خودم گاهی فکر می کردم اگر نستجیر بالله من غیر شیعه بودم جواب مردم را با این مشکلاتی که دارند چگونه می دادم؟ ولی حالا از روایات، از آیات قرآن، صدها هزار، اینکه می گویم صدها هزار اغراق نمی گویم جواب سؤالات را دادم و به هیچ چیز و به هیچ کس و به هیچ دانشمندی هم اعتماد و اعتناء نکردم جز قرآن و روایات. خب شما می گوید: تو همین طوری جواب دادی! اگر همین طوری بود ما را نمی گذاشتند که

اینقدر وقت حدود چهل و سه سال ما پاسخ به سؤالات مردم بدهیم، دشمن‌ها نمی‌گذاشتند، هومان می‌کردند، از رده خارج مان می‌کردم، در عین اینکه این کار را در این ارتباط نکردند می‌بینید باز هم دوست ندارد ما در رده باشیم.

به هر حال امیدواریم خدای تعالی ما را متّصل به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و قرآن و اهل بیت قرار بدهد، بگوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» خدا را شکر می‌کنیم که خدا ما را هدایت کرد به این راه و اگر خودمان بودیم هیچ وقت هدایت به این راه نمی‌شدیم. ان شاء الله روز عید غدیر هر کجا که هستید جشنی بگیرید، هر چه می‌توانید خرج کنید، هر چه می‌توانید فعالیت کنید.

۶- اهمیت دادن به قرآن

و دیشب بعد از آن جلسه دعای دیروز، من یک کار خیلی کم ارزشی از نظر خودم یعنی چون کار من بوده خیلی، ولی از نظر ارتباطش با خدای تعالی این ترجمه قرآن را چاپ کرده بودند، یک جلدش را دیشب برای من آوردند، خیلی خوشحال شدم حتی یک مقداری دیشب از خوشحالی خوابم نبرد و ان شاء الله تا عید غدیر به ما وعده کردند که بقیه اش را یا لا اقل یک مقداری به ما برسانند به آنهایی که قرآنشان را تمام آوردند دادند حتی یک جزوه هم کم ندارد، به آنهایی که قرآن هدیه می شود ان شاء الله اسامی شان نوشته شده، تشریف بیاورند قرآنشان را روز عید غدیر بگیرند، البته از دفاتر می توانند بگیرند حالا مشهد نمی دانم چون دور است

نمی‌دانم برسند یا نرسند بهر حال ان شاء الله محفوظ است و
سایرین ان شاء الله آن‌ها هم از این قرآن بگیرند، این قرآن و
ترجمه خیلی رویش زحمت کشیده شده، خود شماها زیاد
زحمت کشیدید، مطالعه کردید خواندید و هم سی‌دی‌اش
هست با ترجمه خوب و قرائت خوب و هم خدمت شما
عرض شود قرآنش را به شما هدیه می‌دهیم و ان شاء الله
امیدواریم که کوشش کنید، خواهش من می‌کنم خدایا تو
شاهد باش من روز قیامت می‌گویم که از دوستانم خواهش
کردم که قرآن زیاد بخوانید، متوجه معنای قرآن باشید، متوجه
برداشت‌هایتان باشید، فکر نکنید که ما برداشت‌های شما را
توجه به آن نکردیم، نه، تمامش بایگانی می‌شود و ان شاء الله از
آن استفاده خواهد شد منتها آنچه مقصود ما هست این است

که شماها کار بکنید روی برداشت‌ها، روی آیات قرآن فکر بکنید و برداشتی داشته باشید و این طور مسامحه نسبت به قرآن نکنید که به نظر من اگر شخصی که به مکه نمی‌رود به او می‌گویند: «فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نصرَانِيًّا» و کسی که امام زمانش را نشناخته می‌گویند: «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» کسی که قرآن را سبک بشمارد، علاوه بر آنکه همه‌ی این‌ها را دارد روز قیامت قرآن می‌آید شکایت می‌کند، قرآن هم فکر نکنید حالا قرآن چه شکایتی دارد؟ کاغذ است و مرکب، این قرآن در قلب علی بن ابیطالب علیه السلام است. در قلب پیغمبر است، در قلب ائمه اطهار علیهم السلام است، همه‌ی این‌ها شاکی از شما هستند که خدایا این قرآن را به آن توجه نکردند، هر چه دارید ان شاء الله

در زیر سایه‌ی قرآن باشد و ان شاء الله امیدواریم همه‌تان موفق باشید.

«نسئلك اللهم وندعوك باعظم اسمائك و بمولانا صاحب الزمان يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله يا الله» خدایا ظهر جمعه است، ظهر عید قربان است، این دوتا عیدی ما را خدایا جمع کن فرج امام زمان ما را همین امروز مقرر بفرما، خدایا ما را به امام زمانمان نزدیک بفرما، پروردگار قلب مقدسش را از ما راضی بفرما، معرفت آن حضرت را به ما مرحمت بفرما، قلب ما را مملوّ از محبّت آن حضرت بفرما، پروردگار امام زمانمان را از غربت خارج بفرما، خدایا امام زمانمان را به آبروی ولی عصر به آبروی خود آن حضرت قسمت می‌دهیم هر چه زودتر موفق به ایجاد عدل و داد در

کری زمین بفرما، پروردگارا مرض‌های روحی‌مان شفا عنایت
بفرما، مریض‌های منظور، مریض منظور الساعه لباس عافیت
بپوشان، امواتمان غریق رحمت بفرما، خدایا کسانی که از
نزدیکان و تازه از دار دنیا رفتند مادر خانم آقای فانی و پدر
خانم آقای عرضی، آقای میری خدایا غریق رحمت بفرما.
عاقبت امرمان ختم بخیر بفرما. «وَعَجَّلَ اللَّهُ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا»